

بررسی تحول الگوی استقرار جمعیت روستایی * (علل و پیامدها) مطالعه موردی استان سمنان

اثر: دکتر محمدرضا رضوانی

از: دانشگاه تهران

چکیده:

الگوی استقرار جمعیت و سکونتگاه‌ها برآیند فضائی - مکانی شرایط محیط طبیعی و اوضاع اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی یک ناحیه در طول زمان است که با توجه به تغییر این عوامل، الگوی استقرار نیز متحول و دگرگون می‌شود. با بررسی الگوی استقرار جمعیت روستایی استان سمنان در طی سالها ۷۵-۱۳۴۵ معلوم شد که در این الگو تحولاتی شامل؛ تحول در تعداد آبادیهای دارای سکنه، تحول در انواع و ماهیت آبادیها، تحول در طبقه‌بندی و سلسله مراتب جمعیتی آبادیها، تحول در ثبات جمعیتی و جمعیت‌پذیری آبادیها و تحول در پراکندگی و توزیع مکانی جمعیت و آبادیها بوجود آمده است. این تحولات علل متعددی داشته که برخی از آنها مستقیم و در سطح ناحیه‌ای و منطقه‌ای و برخی نیز غیر مستقیم و در سطح ملی

* این مقاله خلاصه یک طرح پژوهشی با همین عنوان می‌باشد که در سال ۱۳۷۶ با مساعدت معاونت پژوهشی دانشگاه توسط نگارنده در مؤسسه جغرافیا تهیه و اجرا گردیده است.

بوده‌اند. بطورکلی مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و تکنولوژیک در این تحولات مؤثر می‌باشد. همچنین از آنجا که این تحولات خودبخود و بدون برنامه‌ای از پیش تعیین شده بوجود آمده، آثار و پیامدهای عمدتاً نامطلوبی در زمینه‌های زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فضائی - کالبدی ایجاد کرده است.



مقدمه

الگوی استقرار جمعیت را می‌توان چگونگی توزیع جمعیت و سکونتگاه‌ها، موقعیت و نحوه استقرار مکانی آنها، کم (تعداد) و کیف (انواع) آبادیهای دارای سکنه، نحوه توزیع سکونتگاه‌ها برحسب جمعیت و سلسله مراتب جمعیتی آنها در یک ناحیه تعریف کرد و به تحولاتی که در زمینه‌های یاد شده در طول زمان بوجود می‌آید تحول الگوی استقرار جمعیت و سکونتگاه‌ها اطلاق می‌شود. الگوی استقرار جمعیت و سکونتگاه‌ها همچنین برآیند مکانی - فضائی شرایط محیط طبیعی و اوضاع اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی یک ناحیه است و مسلماً با تغییر این شرایط برحسب زمان، الگوی استقرار نیز متحول و دگرگون می‌شود. شناخت این تحولات، علل و عوامل مؤثر در بروز و پیدایش این تحولات و همچنین آثار و پیامدهای این تحولات در زمینه‌های مختلف موضوعی جغرافیایی بوده و از اهمیت نظری و عملی (کاربردی) ویژه‌ای برخوردار است. از لحاظ نظری، شناخت، تجزیه و تحلیل و تبیین الگوی استقرار و تحولات آن و بررسی سهم و نقش عوامل مختلف اعم از محیط طبیعی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی در شکل‌گیری و تحولات آن و کشف قانون‌مندیهای کلی حاکم بر الگوی استقرار، همراه با درک آثار و پیامدهای اقتصادی - اجتماعی و فضائی - کالبدی آن اهمیت زیادی دارد و می‌تواند در گسترش مرزهای دانش در قلمرو علم جغرافیا مؤثر باشد. همچنین از لحاظ عملی و کاربردی نیز، از آنجا که دستیابی به نظام و الگوی مطلوب و بهینه استقرار جمعیت، نیازمند شناخت گرایش‌ها و روندهای موجود در این

زمینه است، نتایج چنین مطالعاتی می تواند در ساماندهی سکونتگاه‌های روستایی و شهری، بویژه توزیع بهینه استقرار جمعیت مؤثر باشد. در این مقاله سعی بر این است، انواع، علل و آثار و پیامدهای تحول الگوی استقرار جمعیت در استان سمنان طی سالها ۱۳۴۵-۷۵ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

روش کار

در راستای دستیابی به اهداف تحقیق، ابتدا با یکسان‌سازی محدوده‌های سیاسی - اداری و انطباق آن با آخرین وضع تقسیمات کشوری، مشخصات تمام آبادیهای دارای سکنه استان سمنان طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ با استفاده از نتایج تفصیلی سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن کشور مورد بررسی قرار گرفت، و سپس به طبقه‌بندی آبادیها بر حسب جمعیت، انواع و موقعیت مکانی و همچنین تعداد آبادیها، آبادیهای تخلیه شده و تشکیل شده پرداخته شد. بدین ترتیب با مقایسه آمار و اطلاعات آبادیهای دارای سکنه در سرشماری سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، انواع تحولات ایجاد شده در الگوی استقرار جمعیت روستایی مشخص و تعیین گردید. در مرحله بعد با استفاده از اسناد و مدارک آرشیوی و کتابخانه‌ای و همچنین از طریق مطالعات پیمایشی و تکمیل پرسشنامه روستا از آبادیهای و روستاهای منتخب، علل و عوامل مؤثر در تحول الگوی استقرار و همچنین آثار و پیامدهای تحولات در ابعاد مختلف اقتصادی - اجتماعی و فضائی - کالبدی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در نهایت با تجمع و ترکیب یافته‌های بدست آمده به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مطالعات در راستای اهداف و فرضیه‌های ارائه شده در زمینه انواع، علل و آثار و پیامدهای تحول الگوی استقرار جمعیت روستایی اقدام گردید. نقشه شماره یک موقعیت و تقسیمات سیاسی استان سمنان بر حسب شهرستان را نشان می‌دهد.

۱- انواع تحولات در الگوی استقرار جمعیت روستایی

با توجه به نتایج بدست آمده در اولین مرحله از مطالعات، تحولات متعددی در الگوی استقرار جمعیت و سکونتگاه‌های روستایی استان سمنان طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ بوجود آمده که این تحولات برحسب تحول اوضاع اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی کشور در سطوح ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی قابل توجیه است. مهمترین این تحولات را می‌توان به پنج دسته به شرح زیر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد:

۱-۱- تحول در تعداد آبادیهای دارای سکنه

یکی از تحولات ایجاد شده در الگوی استقرار جمعیت روستایی، تحول در تعداد آبادیهای دارای سکنه است. تعداد آبادیهای دارای سکنه در استان سمنان طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵^(۱)، تحت تأثیر دو فرایند تخلیه جمعیتی کامل برخی از آبادیها از یکطرف و تشکیل آبادیهای دارای سکنه جدید از طرف دیگر، نوسان داشته است. در سال ۱۳۴۵ تعداد آبادیهای دارای سکنه حدود ۸۲۲ آبادی بوده که این تعداد در سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ به ترتیب به ۷۴۴، ۷۲۳ و ۶۰۴ آبادی کاهش ولی مجدداً در سال ۱۳۷۵ به ۷۸۵ آبادی افزایش یافته است.^(۲) بطور خلاص ۳۸ آبادی از مجموع آبادیهای دارای سکنه استان در طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ کاسته شده که شامل کاهش خالص ۷۸ آبادی در دهه ۱۳۴۵-۵۵، کاهش خالص ۲۱ آبادی در دهه ۱۳۵۵-۶۵ و افزایش خالص ۶۲ آبادی در دهه ۱۳۶۵-۷۵ می‌باشد. تعداد واقعی و ناخالص آبادیهای تخلیه شده در طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ حدود ۴۵۶

۱- محدوده‌های سیاسی - اداری استان سمنان طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ با تقسیمات سیاسی سال ۱۳۷۵ منطبق و هماهنگ گردیده است.

۲- مأخذ آماری: مرکز آمار ایران، فرهنگ آبادیهای کشور (استان سمنان) در سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵.

آبادی و تعداد واقعی و ناخالص آبادیهای تشکیل شده و جدید دارای جمعیت در این مدت حدود ۴۱۹ آبادی بوده که تفاضل آن، همان کاهش خالص ۳۸ آبادی طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ می باشد.

۲-۱- تحول در انواع و ماهیت آبادیهای دارای سکنه

علیرغم تصور نادرست برخی از افراد که تمام آبادیهای دارای سکنه را روستا و یا ده قلمداد می کنند، واقعیت این است که بخشی از آبادیهای دارای سکنه شامل روستاها می باشد و بخشی دیگر را سایر انواع آبادیها از جمله مزارع، کلاته ها و انواع مختلف مکانها تشکیل می دهند. با توجه به اینکه آبادیهای تخلیه شده و آبادیهای تشکیل شده در استان سمنان طی سالها ۱۳۴۵-۷۵، ترکیب یکسانی از لحاظ انواع و ماهیت نداشته اند، مسلماً در انواع آبادیهای دارای سکنه طی این مدت تغییرات زیادی بوجود آمده است. همانطور که در جدول شماره ۱ نشان داده شده، طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵، از تعداد و نسبت روستاها، مزارع و کلاته ها و همچنین مراکز معدنی کاسته شده و بر تعداد و نسبت آبادیهای غیر روستایی مانند مراکز تولیدی و صنعتی، دامداریها و مرغداریهای صنعتی، اماکن خدماتی، رفاهی و تأسیساتی افزوده گردیده است. در واقع علیرغم کاهش نه چندان زیاد تعداد کل آبادیها، با تغییر در ترکیب آبادیها، از تعداد و نسبت آبادیهای روستایی کاسته شده و بر تعداد و نسبت آبادیهای غیر روستایی افزوده شده است.

جدول ۱- تحول انواع آبادیهای دارای سکنه استان سمنان در سالهای

۱۳۴۵-۷۵

۱۳۷۵		۱۳۴۵		انواع آبادی دارای سکنه
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۹/۳	۳۰۸	۴۴/۵	۳۶۶	روستاها
۳۵/۲	۲۷۶	۴۸/۸	۴۰۱	مزارع و کلاته‌ها
۱۱/۵	۹۰	۱/۳	۱۱	مراکز تولیدی - صنعتی
۸/۲	۶۵	۱	۸	دامداریها و مرغداریهای صنعتی
۱/۵	۱۲	۲/۵	۲۰	معادن
۴/۳	۳۴	۱/۹	۱۶	اماکن خدماتی، تاسیساتی و رفاهی
۷۸۵	۱۰۰	۱۰۰	۸۲۲	جمع

۱-۳- تحول در طبقه‌بندی و سلسله مراتب جمعیتی آبادیها

از طرف دیگر تحولات ایجاد شده در الگوی استقرار جمعیت روستایی استان سمنان، تحول در طبقه‌بندی یا سلسله مراتب جمعیتی آبادیها می‌باشد. طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ به دلیل افزایش جمعیت روستایی از ۱۳۹۰۰۰۶ نفر به ۱۶۲۷۶۴ نفر^(۱) از یکطرف و کاهش تعداد آبادیها از طرف دیگر، متوسط جمعیت آبادیها روند افزایشی داشته و از ۱۶۹ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۲۶۹ آبادی در سال ۱۳۷۰ رسیده است. در طی سالهای ۱۳۷۰-۷۵، برخلاف گذشته و بدلیل کاهش جمعیت روستایی و افزایش تعداد آبادیهای دارای سکنه، متوسط جمعیت آبادیها به ۲۰۳ نفر در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. سایر تحولات در طبقه‌بندی جمعیت آبادیها

۱- با یکسان سازی وضعیت سکونتگاه‌های روستایی و شهری در طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ و حذف اثر عامل تبدیل روستاها به شهر و ادغام روستاها در بافت‌های شهری، نقش این عامل در تغییر و تحول جمعیت روستایی حذف گردیده است.

را می توان به شرح زیر بیان کرد:

- تعداد آبادیهای ۱-۴۹ نفر در سال ۱۳۴۵ حدود ۴۴۸ آبادی و نسبت آنها به مجموع آبادیها حدود ۵۴/۴ درصد بوده است. طی سالهای ۱۳۴۵-۷۰ به دلیل کاهش مستمر تعداد خالص این آبادیها، نسبت آنها نیز روند کاهشی داشته ولی در سال ۱۳۷۵، با افزایش تعداد آنها به ۴۴۶ آبادی، نسبت آنها نه تنها کاهش نیافته بلکه افزایش نیز یافته است.

- تعداد آبادیهای ۵۰-۹۹۹ نفر در سال ۱۳۴۵ حدود ۳۵۵ آبادی و نسبت آنها به مجموع آبادیها حدود ۴۲/۹ درصد بوده است. در سالهای ۱۳۴۵-۷۵ به دلیل کاهش مستمر تعداد این آبادیها، نسبت آنها نیز روند کاهشی داشته، بطوریکه در سال ۱۳۷۵، تعداد این آبادیها به ۲۷۴ آبادی و نسبت آنها به ۳۴/۹ درصد کاهش یافته است.

- تعداد آبادیهای بالاتر از ۱۰۰۰ نفر جمعیت در سال ۱۳۴۵ حدود ۲۰ آبادی و نسبت آنها به مجموع آبادیها ۲/۵ درصد بوده است. تعداد و نسبت این آبادیها در طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ همواره روند افزایشی داشته، بطوریکه در سال ۱۳۷۵ تعداد این آبادیها به ۴۵ آبادی و نسبت آنها به حدود ۵/۷ درصد افزایش یافته است.

بطور کلی اگر از افزایش تعداد و نسبت آبادیهای ۱-۴۹ نفر در سالهای ۱۳۷۰-۷۵، که تغییر در سیستم سرشماری و نارسائی های آن در این افزایش موثر بوده، صرف نظر کنیم، می توان گفت طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ تعداد و نسبت آبادیهای کوچک و متوسط (کمتر از ۱۰۰۰ نفر) روند کاهشی و تعداد و نسبت آبادیهای بزرگ (بالاتر از ۱۰۰۰ نفر) روند افزایشی داشته است. این وضعیت، گرایش به تمرکز را بطور نسبی در سلسله مراتب جمعیتی آبادیها نشان می دهد، و برای کم و کیف این گرایش از روش آنتروپی^(۱) استفاده گردیده است، (جدول ۲ و ۳). طبق محاسبات انجام شده،

ضریب آنتروپی^(۱) نسبت جمعیت آبادیها برحسب طبقات جمعیتی در سال ۱۳۴۵ حدود ۰/۷۴۰ بوده و با یک روند افزایشی آرام به ۰/۷۵۶ در سال ۱۳۷۵ رسیده است. این وضعیت گرایش به تعادل در توزیع جمعیت برحسب طبقات جمعیتی آبادیها را نشان می دهد که کاهش آبادیهای کوچک و متوسط و افزایش آبادیهای بزرگ نقش مهمی در این وضع داشته است. البته انباشته شدن جمعیت در آبادیهای بزرگ، گرایش به تمرکزگرایی را در توزیع جمعیت نشان می دهد، زیرا در توزیع جمعیت برحسب آبادیها انتظار این نیست که جمعیت همه طبقات یکسان باشد و اگر چنین باشد این وضعیت نشان دهنده تعادل و توازن نمی باشد. ضریب آنتروپی نسبت تعداد آبادیها بر حسب طبقات جمعیتی در سال ۱۳۴۵ حدود ۰/۶۰۲ بوده ولی با یک روند افزایشی به ۰/۷۰۵ در سال ۱۳۷۰ رسیده است. در سال ۱۳۷۵ به

جدول شماره ۲- محاسبه آنتروپی تحول نسبت تعداد آبادیهای دارای سکنه
برحسب طبقات جمعیتی در استان سمنان ۷۵-۱۳۴۵

۱۳۷۵			۱۳۴۵			طبقات جمعیتی آبادیها(نفر)
$Pi \log \frac{1}{pi}$	$\log \frac{1}{pi}$	Pi	$Pi \log \frac{1}{pi}$	$\log \frac{1}{pi}$	Pi	
۰/۱۳۴	۰/۲۲۶	۰/۵۹۴	۰/۱۴۴	۰/۲۶۴	۰/۵۴۴	۱-۴۹
۰/۰۹۵	۱/۰۳۶	۰/۰۹۲	۰/۱۰۱	۰/۹۹۶	۰/۱۰۱	۵۰-۹۹
۰/۱۱۴	۰/۸۹۶	۰/۱۲۷	۰/۱۲۰	۰/۴۸۰	۰/۱۴۲	۱۰۰-۲۴۹
۰/۰۸۶	۱/۱۰۸	۰/۰۷۸	۰/۱۰۱	۰/۹۹۱	۰/۱۰۲	۲۵۰-۴۹۹
۰/۰۶۷	۱/۲۸۴	۰/۰۵۲	۰/۰۹۲	۱/۰۶۶	۰/۰۸۶	۵۰۰-۹۹۹
۰/۰۵۵	۱/۴۰۹	۰/۰۳۹	۰/۰۳۵	۱/۶۷۸	۰/۰۲۱	۱۰۰۰-۱۹۹۹
۰/۰۳۱	۱/۷۴۵	۰/۰۱۸	۰/۰۰۹	۲/۳۹۸	۰/۰۰۴	۲۰۰۰ و بیشتر
۰/۵۸۲	-	۱	۰/۶۰۲	-	۱	جمع

۱- ضریب آنتروپی از رابطه ذیل به دست می آید:

$$H = - \sum pi \log \frac{1}{pi}$$

جدول شماره ۳- محاسبه آنتروپی تحول نسبت جمعیت آبادیهای دارای سکنه
بر حسب طبقات جمعیتی در استان سمنان ۱۳۴۵-۷۵

۱۳۷۵			۱۳۴۵			طبقات جمعیتی آبادیها (نفر)
$Pi \log \frac{1}{p_i}$	$\log \frac{1}{p_i}$	Pi	$Pi \log \frac{1}{p_i}$	$\log \frac{1}{p_i}$	Pi	
۰/۰۴۸	۱/۴۹۵	۰/۰۳۲	۰/۰۶۵	۱/۳۰۱	۰/۰۵	۱-۴۹
۰/۰۴۹	۱/۴۸۱	۰/۰۳۳	۰/۰۵۸	۱/۳۷۷	۰/۰۴۲	۵۰-۹۹
۰/۱۰۲	۰/۹۸۷	۰/۱۰۳	۰/۱۱۹	۰/۸۵۷	۰/۱۳۹	۱۰۰-۲۴۹
۰/۱۲۰	۰/۸۵۱	۰/۱۴۱	۰/۱۴۲	۰/۶۷۸	۰/۲۱۰	۲۵۰-۴۹۹
۰/۱۳۶	۰/۷۲۶	۰/۱۸۸	۰/۱۵۹	۰/۴۶۱	۰/۳۴۶	۵۰۰-۹۹۹
۰/۱۵۳	۰/۵۷۷	۰/۲۶۵	۰/۱۲۶	۰/۸۰۷	۰/۱۵۶	۱۰۰۰-۱۹۹۹
۰/۱۴۸	۰/۶۲۳	۰/۲۳۸	۰/۰۷۱	۱/۲۴۴	۰/۰۵۷	۲۰۰۰ و بیشتر
۰/۷۵۶	-	۱	۰/۷۴۰	-	۱	جمع

دلیل افزایش تعداد و نسبت آبادیهای ۱-۴۹ نفر، ضریب آنتروپی به ۰/۵۸۲ کاهش داشته است. بطور کلی می توان گفت طی سالهای ۱۳۴۵-۷۰ توزیع آبادیها بر حسب طبقات جمعیتی گرایش به تعادل داشته ولی در سالهای ۱۳۷۰-۷۵ بطور معکوس، روند عدم تعادل بوجود آمده و این عدم تعادل حتی بیشتر از سال ۱۳۴۵ بوده است.

۱-۴- تحول در پراکندگی و توزیع مکانی جمعیت و آبادیها

از دیگر تحولات قابل بررسی در الگوی استقرار جمعیت استان سمنان، تحول در توزیع مکانی جمعیت و سکونتگاهها در نواحی جغرافیایی بر حسب زمان است که از لحاظ ابعاد فضائی - مکانی اهمیت زیادی دارد. با توجه به طبقه بندی و تفکیک نواحی جغرافیایی استان سمنان به چهار ناحیه شامل؛ کوهستانی البرز،

پایکوهی و دشتهای پایکوهی البرز، حاشیه دشت کویر و ناحیه کویری^(۱) تحولات ایجاد شده در توزیع مکانی قابل بررسی می باشد. در سال ۱۳۴۵ حدود ۱۲/۷ درصد از آبادیهای دارای سکنه استان در ناحیه کوهستانی البرز، ۵۵/۵ درصد در ناحیه پایکوهی و ۳۱/۸ درصد در ناحیه حاشیه دشت کویر استقرار داشته اند. این نسبتها در سال ۱۳۷۵ به ترتیب به ۱۰/۶، ۸۴/۲ و ۵/۲ درصد تحول یافته است (جدول ۴)، و در مورد جمعیت نیز در سال ۱۳۴۵ حدود ۱۴/۵ درصد جمعیت استان (روستایی و شهری) در ناحیه کوهستانی البرز، ۷۲/۳ درصد در ناحیه پایکوهی و ۱۳/۲ درصد در ناحیه حاشیه دشت کویر استقرار داشته است، این نسبتها در سال ۱۳۷۵ به ترتیب به ۱۰/۶، ۸۴/۲ و ۵/۲ درصد تحول یافته اند. بطور کلی می توان گفت در طی سالهای ۷۵-۱۳۴۵ نسبت جمعیت و سکونتگاهها در نواحی کوهستانی البرز و حاشیه دشت کویر، کاهش ولی در ناحیه پایکوهی و دشتهای پایکوهی البرز افزایش داشته است. بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت طی سالهای ۷۵-۱۳۴۵ از تفرق و پراکندگی جمعیت و سکونتگاهها کاسته شده و بر تمرکز مکانی آن افزوده شده است. در این رابطه استفاده از روش آنتروپی این تحولات را دقیقاً نشان می دهد. در سال ۱۳۴۵ ضریب آنتروپی نسبت تعداد آبادیها در نواحی جغرافیایی استان حدود ۰/۴۱۴ بوده، در حالیکه در سال ۱۳۷۵ به ۰/۳۹۶ کاهش یافته است. همچنین آنتروپی نسبت جمعیت بر حسب نواحی جغرافیایی در سال ۱۳۴۵ حدود ۰/۳۴۰ بوده، در حالیکه در سال ۱۳۷۵ به ۰/۲۳۳ کاهش یافته است. کاهش ضریب آنتروپی جمعیت و سکونتگاهها بر حسب نواحی جغرافیایی استان سمنان طی سالهای ۷۵-۱۳۴۵، نشان دهنده کاهش تفرق و پراکندگی مکانی جمعیت و سکونتگاهها و افزایش تمرکز آن می باشد.

۱- رضوانی، محمدرضا، بررسی سازمان فضائی - مکانی سکونتگاهها و بهینه سازی آن در نواحی روستایی،

جدول ۴- تغییرات تعداد جمعیت و سکونتگاه‌ها در نواحی جغرافیایی استان سمنان ۷۵-۱۳۴۵ (درصد)

ناحیه	نسبت مساحت استان	۱۳۴۵		۱۳۵۷	
		سکونتگاه‌ها	جمعیت	سکونتگاه‌ها	جمعیت
کوهستانی البرز	۷/۵	۱۲/۷	۱۴/۵	۱۱/۷	۱۰/۶
پایکوهی و دشتهای پایکوهی البرز	۱۴/۸	۵۵/۵	۷۲/۳	۶۳/۵	۸۴/۲
حاشیه دشت کویر	۴۷/۷	۳۱/۸	۱۳/۲	۲۴/۸	۵/۲
کویری	۳۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

۱-۵- تحول در ثبات جمعیتی و جمعیت‌پذیری آبادیها

از دیگر تحولات در الگوی استقرار جمعیت روستایی، تحول در جمعیت‌پذیری و ثبات جمعیتی (مهاجرت) آبادیها می‌باشد. آبادیهای دارای سکنه روستایی استان سمنان در تمام سالهای ۷۵-۱۳۴۵ با مهاجر فرستی خالص مواجه بوده‌اند. نرخ خالص مهاجرت از نواحی روستایی استان طی سالهای ۵۵-۱۳۴۵ حدود ۲/۳ درصد، در دهه ۶۵-۱۳۵۵ حدود ۱/۵ درصد، در پنجساله ۷۰-۱۳۶۵ حدود ۲/۱ درصد و در پنجساله ۷۵-۱۳۷۰ حدود ۲/۴ درصد بوده است. در پنجساله ۷۵-۱۳۷۰، برخلاف گذشته، رشد مطلق جمعیت روستایی علیرغم کاهش رشد طبیعی جمعیت، به کمتر از صفر (۰/۴-) و نرخ خالص مهاجرت به حداکثر خود (۲/۴-) در طی چند دهه گذشته رسید. بطورکلی حدود ۱۱۳۸۹۹ نفر در طی سالهای ۷۵-۱۳۴۵ بطور خالص از نواحی روستایی مهاجرت کرده‌اند که مقصد اکثر آنها، مراکز شهرستانهای استان یعنی شهرهای سمنان، شاهرود، دامغان و گرمسار بوده است. رشد سالیانه جمعیت این شهرها در طی سالهای ۷۵-۱۳۴۵ حدود ۴/۲

درصد بوده، که نرخ مهاجر پذیری خالص حدود $1/7$ درصد را نشان می‌دهد، (جدول ۵).

جدول ۵- رشد طبیعی، مطلق و نرخ مهاجرت خالص در نواحی روستایی استان سمنان ۷۵-۱۳۴۵^(۱)

سال	رشد طبیعی (درصد)	رشد مطلق (درصد)	نرخ خالص مهاجرت (درصد)	تعداد خالص مهاجرین (نفر)
۱۳۴۵-۵۵	$2/7$	$0/4$	$-2/3$	۴۱۶۷۲
۱۳۵۵-۶۵	$3/2$	$1/7$	$-1/5$	۲۹۵۰۷
۱۳۶۵-۷۰	$2/5$	$0/4$	$-2/1$	۲۲۶۱۲
۱۳۷۰-۷۵	۲	$-0/4$	$-2/4$	۲۰۱۰۸
جمع	$2/7$	$0/7$	-۲	۱۱۳۸۹۹

۲- علل تحول در الگوی استقرار جمعیت روستایی

در تحول الگوی استقرار جمعیت روستایی استان سمنان، مجموعه‌ای از عوامل شامل اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی - اداری و طبیعی موثر بوده که تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم در این تحول داشته‌اند. همچنین برخی از عوامل منشأ محلی، ناحیه‌ای و منطقه‌ای داشته و برخی دیگر با منشأ ملی و فراملی در تحول الگوی استقرار دخالت داشته‌اند. از آنجا که علل خاص و مستقیم هر یک از انواع تحولات با علل غیر مستقیم مجموعه تحولات تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، ابتدا علل هر یک از انواع تحولات مورد بررسی قرار گرفته و سپس به جمع‌بندی و

۱- رضوانی، محمدرضا، طرح بررسی تحول الگوی استقرار جمعیت روستایی (علل و پیامدها) - مطالعه موردی: استان سمنان، مؤسسه جغرافیا، ۱۳۷۵، ص ۱۳۴.

نتیجه‌گیری از علل تحولات پرداخته می‌شود.

۱-۲- علل تحول در تعداد آبادیها

تحول تعداد آبادیها در طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ تحت تأثیر دو عامل تخلیه آبادیهای موجود و تشکیل آبادیهای جدید بوده است. از آنجا که آبادیهای تخلیه شده اندازه و انواع متفاوتی داشته، علل تخلیه آنها نیز با یکدیگر فرق دارد. ذکر این نکته لازم است که از مجموع ۴۵۶ آبادی تخلیه شده در طول ۴۰ سال گذشته، حدود ۹۲/۴ درصد کمتر از ۵۰ نفر، ۵ درصد دارای ۵۰-۹۹ نفر و ۲/۶ درصد دارای ۱۰۰-۲۵۰ نفر جمعیت در آخرین سرشماری قبل از تخلیه جمعیت داشته‌اند. همچنین حدود ۸/۳ درصد از آبادیهای تخلیه شده روستا، ۶۵/۴ درصد مزرعه و کلاته، ۷/۵ درصد معادن، ۶/۶ درصد مراکز خدماتی و تولیدی و حدود ۱۲ درصد سایر انواع آبادیها بوده‌اند. در مجموع عواملی مانند نارسائی و انحطاط تدریجی منابع طبیعی بویژه آب و خاک، سوانح و بلایای طبیعی از جمله طوفان شن و زلزله، تداوم مهاجرت‌های روستایی در درازمدت با توجه به عوامل اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی - اداری موثر در آن، تحولات تکنولوژیک از جمله در زمینه بهبود شبکه راههای ارتباطی و سیستم حمل و نقل^(۱)، الزامات اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی ناشی از زندگی جدید و تعطیل شدن فعالیت اقتصادی (در مورد مراکز تولیدی، معدنی و خدماتی) مهمترین علل تخلیه جمعیتی کامل آبادیها بوده‌اند. در مورد آبادیهای تشکیل شده، از مجموع ۴۱۹ آبادی جدید ایجاد شده در استان

۱- تأثیر این عامل در تخلیه جمعیتی بسیاری از مزارع و کلاته‌ها بدین ترتیب بوده که گذشته بهره‌برداری از منابع آب و خاک موجود در این آبادیها، منوط به حضور و اسکان دائمی جمعیت در آنها بود. اما امروزه بهبود شبکه ارتباطی و سیستم حمل و نقل اجازه می‌دهد که بدون اسکان دائمی، فعالیت کشاورزی در این آبادیها ادامه یابد. به همین دلیل امروزه در بسیاری از مزارع و کلاته‌ها، علیرغم تخلیه جمعیتی، فعالیت کشاورزی با حضور روزانه یا فصلی جمعیت ادامه دارد.

سمنان طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ تقریباً هیچیک روستا نبوده و عمدتاً شامل مزارع و کلاته‌ها، دامداریها و مرغداری‌های صنعتی، مراکز معدنی، صنعتی و اماکن خدماتی، عمومی و تأسیساتی بوده‌اند. عوامل پیدایش این آبادیها برحسب ماهیت آنها تفاوت دارد ولی در مجموع می‌توان گفت بهره‌برداری از منابع جدید آب و خاک در نواحی روستایی، بهره‌برداری از معادن جدید، ایجاد مراکز صنعتی و تولیدی، احداث دامداریها و مرغداریهای صنعتی، مراکز خدماتی، تأسیساتی و سایر مراکز اقتصادی - اجتماعی در خارج از محدوده خدماتی شهرها و در قلمرو نواحی روستایی نقش اساسی در پیدایش آبادیهای جدید داشته‌اند.

۲-۲- علل تحول در انواع و ماهیت آبادیهای دارای سکنه

با توجه به این مطلب که آبادیهای تخلیه شده و تشکیل شده در استان سمنان طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ ترکیب یکسانی از لحاظ ماهیت و نوع آبادی نداشته‌اند، مسلماً در ترکیب و انواع آبادیها تحولاتی بوجود آمده است. در واقع عدم تشکیل روستاهای جدید، تخلیه حدود ۵۸ روستا، افزایش بسیار زیاد آبادیهایی از نوع مراکز تولیدی - صنعتی، دامداریها و مرغداریهای صنعتی و همچنین اماکن خدماتی در طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ مهمترین عامل تغییر در ترکیب آبادیها شناخته می‌شوند. در واقع به دلیل تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور در طی چند دهه اخیر که باعث انحطاط و ضعف زندگی روستائینی در برابر شهرنشینی و بویژه عقب‌نشینی آن در برابر زندگی شهری گردید، هیچ روستای جدیدی در طول دوره مورد بررسی در سطح استان ایجاد نشده، حتی تعداد زیادی از آنها تخلیه گردیده و بسیاری نیز به مزرعه و کلاته تغییر ماهیت داده‌اند. گسترش بخش صنعت در راستای سیاستهای ملی و منطقه‌ای کشور که باعث احداث تعداد زیادی کارخانه و کارگاه صنعتی گردید، همچنین پرورش دام و طیور متناسب با شرایط تکنولوژیکی جدید به شکل دامداریها و مرغداریهای صنعتی در قلمرو نواحی

روستایی، همراه با افزایش روزافزون اماکن خدماتی، رفاهی، نظامی و تأسیساتی در خارج از قلمرو شهرها در راستای شرایط نوین اقتصادی - اجتماعی کشور نقش اساسی در تحول انواع و ترکیب آبادیهای دارای سکنه استان داشته‌اند.

۲-۳- علل تحول در توزیع آبادیها برحسب جمعیت (طبقه‌بندی جمعیتی)

تحول در طبقه‌بندی و سلسله مراتب جمعیتی آبادیها در استان سمنان طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ خود را به شکل نوسان زیاد تعداد و نسبت آبادیهای کمتر از ۵۰ نفر، کاهش تعداد و نسبت آبادیهای ۵۰ تا ۹۹۹ نفر و افزایش تعداد و نسبت آبادیهای دارای ۱۰۰۰ نفر جمعیت و بیشتر نشان داده است.

کاهش تعداد و نسبت آبادیهای کمتر از ۵۰ نفر در طی سالهای ۱۳۴۵-۶۵ عمدتاً به دلیل خالی از سکنه شدن تعداد زیادی از مزارع و کلاته‌ها و برخی دیگر از آبادیهای دارای سکنه غیرروستایی به دلایلی که قبلاً ذکر شد از یکطرف و روند آرام ایجاد آبادیهای دارای سکنه جدید از طرف دیگر بوده است. در حالیکه در طی سالهای ۱۳۶۵-۷۵ به دلیل شرایط نوین بعد از جنگ از جمله اجرای برنامه‌های اول و دوم توسعه کشور، با گسترش آبادیهایی از نوع مرغداریها و دامداریهای صنعتی، کارگاه‌ها و کارخانه‌های صنعتی و اماکن رفاهی، خدماتی و تأسیساتی، تعداد و نسبت آبادیهای کمتر از ۵۰ نفر افزایش یافته است.

کاهش تعداد نسبت آبادیهای ۵۰ تا ۹۹۹ نفر طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ به دو دلیل عمده بوده است. تخلیه جمعیتی کامل برخی از این آبادیها به دلایل ذکر شده یکی از این عوامل می‌باشد. همانطور که قبلاً توضیح داده شد حدود ۳۵ آبادی از مجموع آبادیهای تخلیه شده استان در چهار دهه گذشته دارای ۵۰ تا ۲۵۰ نفر جمعیت بوده و بنابراین در این طبقه قرار می‌گیرند. همچنین افزایش جمعیت در بسیاری از آبادیهای این طبقه طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ و انتقال برخی از آنها به طبقه بالاتر (۱۰۰۰ نفر و بیشتر) نیز نقش مهمی در کاهش تعداد و نسبت این آبادیها داشته

است. در واقع تعداد کمتری آبادی از طبقه پایین تر (کمتر از ۵۰ نفر) به این طبقه منتقل شده و نتوانسته جایگزین کاملی برای آبادیهای منتقل شده از این طبقه به طبقات بالاتر گردد.

افزایش تعداد و نسبت آبادیهای دارای ۱۰۰۰ نفر جمعیت و بیشتر در طی سالهای ۷۵-۱۳۴۵ به چند دلیل بوده است. اولاً در این طبقه هیچ موردی از تخلیه کامل جمعیتی همانند سایر طبقات جمعیتی در چند دهه گذشته مشاهده نشده و این عامل حداقل مانع کاهش این آبادیها گردیده است. ثانیاً تعداد زیادی آبادی با افزایش جمعیت خود در طی سالهای ۷۵-۱۳۴۵ از طبقه پایین تر (۵۰ تا ۹۹۹ نفر) به این طبقه منتقل شده و انباشته شده‌اند. همچنین با حذف و خنثی کردن اثر تبدیل نقاط روستایی به شهری، می توان گفت هیچ آبادی از این طبقه به طبقات بالاتر انتقال نیافته است. بطور کلی آبادیهای بزرگ دارای ۱۰۰۰ نفر جمعیت و بیشتر به علت دارا بودن شرایط مناسب تر اقتصادی و اجتماعی، رشد جمعیتی بیشتری داشته و از ثبات مکانی بالاتری برخوردار بوده‌اند.

۲-۴- تحول در پراکندگی و توزیع مکانی جمعیت و آبادیها

افزایش تعداد و نسبت جمعیت و سکونتگاهها در ناحیه پایکوهی و دشتهای پایکوهی البرز و کاهش آن در نواحی کوهستانی البرز و حاشیه دشت کویر که باعث کاهش تفرق و افزایش تمرکز جمعیت و سکونتگاهها گردیده، مشخص ترین تحول در توزیع مکانی جمعیت و آبادیها در سطح استان سمنان طی سالهای ۷۵-۱۳۴۵ بوده است. دلایل این تحول به شرح زیر می باشد:

- از مجموع ۱۴ شهر استان، ۱۱ شهر و از جمله چهار مرکز شهرستان استان و همچنین از ۹ شهر جدید که در سالهای ۷۵-۱۳۴۵ ایجاد شده‌اند،^(۱) ۷ شهر در

۱- در طی سالهای ۷۵-۱۳۴۵ مجموعاً ۹ روستا به نقطه شهری در سطح استان تبدیل شده که این شهرها در

سال ۱۳۷۵ حدود ۵۱۲۸۲ نفر جمعیت داشته‌اند.

ناحیه پایکوهی و دشتهای پایکوهی البرز استقرار دارند. رشد زیاد جمعیت شهری و مهاجرپذیری اکثر شهرهای استان، عاملی مهم برای افزایش نسبت جمعیت در این ناحیه بوده است.

- آبادیهایی که طی سالهای ۷۵-۱۳۴۵ در سطح استان خالی از سکنه شده، متعلق به تمام نواحی بوده و تا حدودی سهم این نواحی از آبادیهای تخلیه شده یکسان بوده است. ولی آبادیهایی که در طی این مدت ایجاد شده‌اند، به دلیل ماهیت خاص خود (دامداریها و مرغداریهای صنعتی، کارخانه‌ها و مراکز تولیدی - صنعتی، اماکن خدماتی، رفاهی و تأسیساتی) عمدتاً در ناحیه پایکوهی و دشتهای پایکوهی البرز بویژه در حاشیه شهرها استقرار یافته‌اند. مسلماً در این ناحیه بویژه در مجاورت مراکز شهری و مراکز شهرستانها به دلیل فاصله نزدیک، سهولت دسترسی در رابطه با راههای ارتباطی و سیستم حمل و نقل، وجود شبکه‌های آب، برق، خدمات زیربنائی و رفاهی، جاذبه بیشتری برای استقرار چنین فعالیتهای اقتصادی و آبادیهای دارای سکنه‌ای از این نوع بوده است. بهرحال این عامل نیز نقش مهمی در افزایش نسبت جمعیت و سکونتگاه‌ها در ناحیه پایکوهی و دشتهای پایکوهی البرز داشته است.

۲-۵- علل تحول در جمعیت پذیری و ثبات جمعیتی آبادیها

مهاجرت روستایی با نرخ خالص سالیانه حدود ۲ درصد که منجر به انتقال جمعیتی در حدود ۱۱۳۸۹۹ نفر از نواحی روستایی استان طی سالهای ۷۵-۱۳۴۵ گردید، از مهمترین تحولات در الگوی استقرار جمعیت محسوب می‌شود، این پدیده تقریباً در تمام روستاها و در همه سالها با برخی تغییرات وجود داشته، ولی در سالهای ۷۵-۱۳۷۰ با تشدید آن رشد جمعیت روستایی منفی شده است. عوامل مهاجرت از نواحی روستایی استان متنوع و متعدد بوده و به نوعی تمام عوامل اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی - اداری در آن نقش داشته‌اند. بعنوان نمونه

در زمینه اقتصادی، عدم تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار در روستاها به دلیل عدم تکوین فرصت‌های جدید شغلی متناسب با رشد طبیعی جمعیت، باعث ایجاد مازاد نیروی کار در روستاها و در نتیجه مهاجرت گردیده است. بر طبق بررسی‌های انجام شده، علیرغم افزایش سطح زیر کشت و تولید محصولات کشاورزی در نواحی روستایی طی چند دهه اخیر، تعداد شاغلین این بخش اقتصادی در طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ ثابت بوده و در مواردی نیز کاهش داشته است.^(۱) این در حالیست که رشد ضعیف بخش‌های صنعت و خدمات نیز نتوانسته خلأ ناشی از عدم اشتغال‌زایی بخش کشاورزی را جبران نماید. در نواحی شهری و مراکز سیاسی - اداری از جمله در شهرهای سمنان، شاهرود، دامغان و گرمسار، گسترش بخش خدمات دولتی و صنایع مونتاژ با اتکاء به درآمدهای نفتی و حمایت دولت در چند دهه گذشته، باعث گسترش اشتغال‌زایی و رونق بازار کار شده و همراه با تفاوت زیاد سطوح درآمدی بین شهر و روستا و سایر جاذبه‌های اجتماعی و فرهنگی زندگی در نواحی شهری موجب مهاجرت‌های گسترده روستائیان گردیده است.

علاوه بر عواملی که در سطح منطقه‌ای و ناحیه‌ای باعث تحول الگوی استقرار جمعیت بر حسب هر یک از انواع تحولات گردید، عوامل دیگری نیز وجود دارد که در سطح ملی ایفای نقش کرده و بطور غیر مستقیم باعث ایجاد تحولات کلی در الگوی استقرار جمعیت و سکونتگاه‌ها می‌گردد، مهمترین این عوامل عبارتند از:

- وابستگی کشور به درآمدهای نفتی و تشدید آن در چند دهه اخیر که باعث کاهش سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی^(۲) و افزایش سهم بخش‌های خدمات و صنعت گردید، یکی از این عوامل است. از آنجا که کشاورزی رکن اصلی اقتصاد روستایی را تشکیل می‌دهد، کاهش سهم آن در تولید ناخالص ملی باعث

۱- مأخذ آماری: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی شماری‌های عمومی نفوس و مسکن استان سمنان در سالهای

۱۳۴۵-۷۵.

۲- رزاقی، ابراهیم، اقتصاد ایران، نشر نی، ۱۳۶۷، ص ۳۲۲.

افول و پسروی زندگی روستایی در برابر زندگی شهری شده است.
- عدم تعادل بین بخشهای اقتصادی از لحاظ اشتغالزایی، درآمد و ارزش افزوده
بویژه بین بخش کشاورزی با بخشهای صنعت و خدمات که با اتکاء به درآمدهای
نفتی و تأثیر دولت بخشهای صنعت و خدمات گسترش یافته‌اند.
- متمرکز بودن نظام سیاسی - اداری کشور و تشدید آن در چند دهه اخیر و
سیاستهای شهرگرایی دولت.

۳- آثار و پیامدهای تحول الگوی استقرار جمعیت

تحول الگوی استقرار جمعیت و سکونتگاه‌های روستایی در استان سمنان طی
سالهای ۷۵-۱۳۴۵ آثار و پیامدهای متنوع و متعددی به همراه داشته، بطوریکه
برحسب ماهیت و انواع تحولات، این پیامدها تغییر می‌کند. همچنین از آنجا که این
تحولات با گذشت زمان خودبخود بوجود آمده و در راستای برنامه‌ای از پیش
تعیین شده نبوده، آثار و پیامدهای نامطلوبی ببار آورده است. در مجموع آثار و
پیامدهای تحول الگوی استقرار را می‌توان در چند دسته شامل آثار و پیامدهای
زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و فضائی - کالبدی به شرح زیر مورد
بررسی قرار داد:

۳-۱- آثار و پیامدهای زیست محیطی

تحول الگوی استقرار جمعیت به شکل کاهش نسبت جمعیت و سکونتگاه‌ها در
نواحی کوهستانی البرز و حاشیه دشت کویر و افزایش آن در ناحیه پایکوهی
ودشتهای پایکوهی البرز و همچنین کاهش تعداد و نسبت آبادیهای کوچک و
متوسط و افزایش تعداد و نسبت آبادیهای بزرگ که موجب متمرکز شدن بیشتر نظام
استقرار جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی گردیده، با افزایش عدم تعادل بین جمعیت
و منابع طبیعی آثار نامطلوبی در ناحیه پایکوهی و دشتهای پایکوهی البرز ایجاد

کرده است. تخریب و آلودگی منابع آب، خاک و پوشش گیاهی و تغییر کاربری اراضی کشاورزی مرغوب به سایر کاربریها در این ناحیه، از جمله عوارض و پیامدهای تحول الگوی استقرار جمعیت در استان سمنان محسوب می شود.

۲-۳- آثار و پیامدهای اقتصادی

تحول الگوی استقرار جمعیت روستایی به شکل کاهش تعداد و نسبت روستاها، مزارع و کلاته‌ها، مهاجرت‌های روستایی، کاهش تفرق و افزایش تمرکز جمعیت، آثار و پیامدهای اقتصادی مهمی داشته که مهمترین آنها بشرح زیر می باشد:

- متروک شدن منابع آب و خاک محدود و پراکنده بویژه در حاشیه دشت کویر و خارج شدن آنها از چرخه فعالیت اقتصادی و کشاورزی به دلیل تخلیه جمعیتی تعداد زیادی از روستاها، مزارع و کلاته‌ها و همچنین به علت متمرکز شدن نظام اسکان و استقرار جمعیت؛

- نارسایی و رکود نسبی فعالیت کشاورزی در نواحی روستایی به دلیل مهاجرت‌های گسترده روستایی - شهری؛

- تخریب اراضی کشاورزی و تبدیل آن به سایر کاربریها بویژه در ناحیه پایکوهی و دشتهای پایکوهی البرز؛

- ثابت ماندن و در مواردی کاهش تعداد شاغلین بخش کشاورزی در سطح استان و نواحی روستایی و کاهش سهم اشتغال آن در فعالیتهای اقتصادی؛

- افزایش روند انتقال ثروت و سرمایه از نواحی روستایی به شهرها و افزایش بیلان مالی منفی نقاط روستایی به دلیل تشدید مهاجرت‌های روستایی - شهری؛

۳-۳- آثار و پیامدهای اجتماعی - فرهنگی

تحول الگوی استقرار جمعیت روستایی بویژه در قالب مهاجرت‌های گسترده

روستایی، تبدیل نقاط روستایی به شهری، افزایش تعداد مکانها و آبادیهای غیر روستایی در نواحی روستایی، افزایش تعداد و نسبت آبادیهای بزرگ و کاهش آبادیهای کوچک و روستاهای متوسط و بطور کلی متمرکز شدن نظام استقرار جمعیت و فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی آثار و پیامدهای اجتماعی - فرهنگی نیز به همراه داشته که مهمترین آنها به شرح ذیل است:

- کاهش جمعیت، دگرگونی در ساختار سنی و جنسی آن و عدم پویایی اجتماعی - فرهنگی نواحی روستایی بعنوان آثار مهاجرت در مبدأ همراه با مسائلی مانند بیکاری، اشتغال کاذب، افزایش جرم و جنایت و مشکلات ناشی از فرهنگ پذیری بعنوان پیامدهای مهاجرت در مقصد؛

- دگرگونیهای اجتماعی، فرهنگی و رفتاری به دلیل حضور و اسکان افراد غیربومی در نواحی روستایی در رابطه تشکیل انواع جدیدی از آبادیهای غیر روستایی؛

- افزایش کنشها، مناسبات اجتماعی و سیستم اثرات متقابل و همچنین افزایش روند انتشار و پخش نوآوری و دگرگونیهای اجتماعی و فرهنگی در نواحی روستایی در رابطه با افزایش تمرکز جمعیت و سکونتگاهها، گسترش روابط روستایی - شهری، افزایش تعداد و نسبت آبادیهای بزرگ و تبدیل نقاط روستایی به شهری.

۳-۴- آثار و پیامدهای فضائی - کالبدی

علاوه بر آثار و پیامدهای زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی، در زمینه فضائی - کالبدی نیز، تحول الگوی استقرار جمعیت پیامدهایی داشته که مهمترین آنها به شرح ذیل می باشد:

- تحول الگوی استقرار به شکل کاهش نسبت جمعیت و سکونتگاهها و فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی در نواحی کوهستانی البرز و حاشیه دشت کویر و

افزایش آن در ناحیه پایکوهی و دشتهای پایکوهی البرز، کاهش تعداد و نسبت آبادیهای کوچک و متوسط و افزایش آبادیهای بزرگ و تبدیل نقاط روستایی به شهری که خود یک پدیده فضایی و مکانی نیز شناخته می شود، موجب متمرکز شدن نظام اسکان و ساخت و سازمان فضائی و کاهش تفرق و پخشایش آن گردیده است.

- تحول الگوی استقرار در زمینه های یاد شده موجب تشدید انزوای جغرافیایی و دورافتادگی نواحی حاشیه دشت کویر و کوهستانی البرز از محورها و کانونهای توسعه استان گردیده و با افزایش عدم تعادل و توازن در ساخت و سازمان فضائی موجب تشدید نظام خطی استقرار گردیده است. این وضعیت با ایجاد مانع در انتشار و پخش توسعه به سرتاسر استان، زمینه ساز فقر و عقب ماندگی و توسعه نیافتگی ناحیه حاشیه کویر شده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

الگوی زیست و استقرار جمعیت و آبادیها در استان سمنان طی سالهای ۱۳۴۵-۷۵ تحولاتی داشته که مهمترین آنها تحول در تعداد آبادیهای دارای سکنه (تحت تأثیر دو فرایند تخلیه آبادیها و تشکیل آبادیهای جدید) تحول در انواع و ماهیت آبادیها، تحول در توزیع سکونتگاهها برحسب اندازه (سلسله مراتب و طبقه بندی جمعیتی)، تحول در پراکندگی و توزیع مکانی جمعیت و آبادیها و تحول در جمعیت پذیری و ثبات جمعیتی آبادیها می باشد. این تحولات علل متعدد و متنوعی داشته که برخی از آنها مستقیم و تحت تأثیر شرایط محلی و عوامل منطقه ای بوده و برخی نیز غیر مستقیم و ناشی از شرایط کلی حاکم بر کشور در چند دهه اخیر بوده است. بهر حال هم در سطح محلی و منطقه ای و هم در سطح ملی، مجموعه ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی و محیطی در این تحولات دخالت داشته اند. در واقع می توان گفت به دلیل تحولاتی که در ابعاد یاد

شده با گذشت زمان در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و ملی بوجود آمده، تحول در الگوها و گونه‌های زیست، استقرار و معیشت اجتناب ناپذیر شده است. کم و کیف و ابعاد تحولات در الگوی استقرار و زیست جمعیت، در راستای کم و کیف تحول هر یک از عوامل اقتصادی اجتماعی - فرهنگی و سیاسی و تحول مجموع آنها در رابطه با یکدیگر می‌باشد.

در مجموع به دلیل پویایی شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی جوامع بشری، ایجاد تحولات در الگوی استقرار و زیست جمعیت و آبادیها بعنوان برآیند فضائی - کالبدی این شرایط و عوامل بدیهی خواهد بود. آنچه اهمیت دارد این است که تحولات در راستای برنامه‌های از پیش تعیین شده و هماهنگ با یکدیگر، کنترل و هدایت شود تا آثار و پیامدهای نامطلوب نداشته باشد. در استان سمنان متأسفانه به دلیل اینکه تحولات خودبخود و بدون طرح و برنامه از پیش تعیین شده ایجاد گردیده، آثار و پیامدهای عمدتاً نامطلوب در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، زیست محیطی و فضائی - کالبدی بوجود آورده است. به منظور جلوگیری از آثار و پیامدهای نامطلوب تحول الگوی استقرار جمعیت و یا حداقل کاهش آنها، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

- کنترل، هدایت و هماهنگی تحولات اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی - اداری کشور از طریق طرحها و برنامه‌های از پیش تعیین شده و جلوگیری از اقدامات غیر برنامه‌ای؛

- توجه بیشتر به ابعاد مکانی و فضائی برنامه‌های بخشی توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور؛

- تهیه و اجرای طرحها و برنامه‌های ساختاری برای ساماندهی نظام استقرار و اسکان جمعیت در کشور در راستای طرحها و برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی.